



یکشنبه ۹ آذر ۱۳۹۹

وطن امروز | شماره ۳۰۸۴

ورزشی

اخبار

واکنش ترابی و انصاری به ترور شهید فخری‌زاده

کنایه به ظریف



مهدی ترابی و محمد انصاری روز گذشته در توئیت‌ر نسبت به ترور دانشمند هسته‌ای، شهید محسن فخری‌زاده واکنش نشان دادند. مهدی ترابی، بازیکن سابق پرسپولیس در توئیت‌ر نوشت: امروز دانشمند هسته‌ای کشورمان شهید شد اما حکم ترورش آن روزی تایید شد که بر سر آینده مردم معامله شد. ۲ راه انتقام داریم: یکی که بر عهده سران نظامی کشور است که معتقدم به وکشتش با قاطعیت عملی خواهد شد و دومی بر عهده من و شمامست با رای درست. از سوی دیگر محمد انصاری در توئیتی بسیار کوتاه با کنایه به وزیر امور خارجه نوشت: جناب ظریف تسلیت!

■ ■ ■

چه کسانی تابوت مارادونا را حمل کردند؟



تابوت حاوی پیکر مارادونا که برای خداحافظی دوستدارانش با او مدتی در کاخ ریاست جمهوری بوئنوس آیرس قرار گرفته بود سرانجام توسط اعضای خانواده او به سمت گورستان بلاویستا حرکت کرد. پیکر دیگو در گورستانی به خاک سپرده شد که مادر و پدرش هم در آن دفن شده‌اند. اما تابوت دیگو توسط چه کسانی به سمت آرامگاه ابدی او حمل شد؟ در خط اول گیرمو کاپولا و هرنان لوپز مارادونا برادرزاده دیگو حضور داشتند. در پشت این ۲ نفر یانا یکی از دختران دیگو حضور داشت و در سوی دیگر هم برادرش لالو زیر تابوت پدر را گرفته بود. در پشت این ۲ نفر دالما دختر دیگو و اندرس کالداری همسر دالما دیده می‌شدند. در آن سوی تابوت، پشت سر یانا، جیانینا یکی دیگر از دختران دیگو دیده می‌شد. او بلو دوست قدیمی دیگو هم در کنار تابوت او حضور داشت. گابریل اسبوزیتو همسر بناتریز یکی از خواهران دیگو هم آخرین نفری بود که در کنار تابوت او حضور داشت.

■ ■ ■

بازنشسته‌ها محدودیتی برای شرکت در انتخابات فدراسیون فوتبال ندارند!

سرپرست فدراسیون فوتبال به صورت تلویحی اعلام کرد ممنوعیتی برای حضور بازنشسته‌ها در انتخابات هیأت‌رئیس فدراسیون فوتبال وجود ندارد. به گزارش ایسنا، حیدر بهاروند صبح دیرروز در مجمع عمومی فدراسیون فوتبال درباره برگزاری انتخابات هیأت‌رئیس گفت: فقط اساسنامه معیار و ملاک برگزاری انتخابات است. او ادامه داد: موظفیم بر اساس اساسنامه انتخابات را برگزار کنیم و تأکید کرد: امیدوارم انتخابات خوبی داشته باشیم و هر کس که انتخاب شد، سکان هدایت فوتبال را در دست گرفته و آن را پیش ببرد. به نظر می‌رسد این اظهارات بهاروند در پاسخ به شائبه ممنوعیت حضور بازنشستگان در انتخابات هیأت‌رئیس فدراسیون فوتبال است.

■ ■ ■

باخت یاران اینیستا مقابل نماینده چین با قضاوت فغانی

تیم فوتبال ویسل کوبه ژاپن در دیدار مقابل گوانگژو اورگراند چین با قضاوت علیرضا فغانی، داور ایرانی شکست خورد.

در ادامه رقابت‌های لیگ قهرمانان فوتبال آسیا و از گروه G، روز شنبه تیم ویسل کوبه ژاپن به مصاف گوانگژو اورگراند چین رفت که این بازی با نتیجه ۲ بر صفر به سود نماینده چین خاتمه یافت. این مسابقه با قضاوت علیرضا فغانی در گزار ش فغانی در نیمه نخست یک پنالتی به سود گوانگژو اعلام کرد که «اندرسون» در دقیقه ۱۷ آن را به گل تبدیل کرد. گل دوم نماینده چین هم در دقیقه ۳۶ توسط «الکسون» به ثمر رسید. ویسل کوبه که «آندرس اینیستا» هافبک سابق پارسلونا را در اختیار دارد، با این باخت از ۳ بازی خود، ۶ امتیازی شد و در صدر جدول گروه G باقی ماند. گوانگژو با ۴ و سوون سامسونگ کره‌جنوبی هم با یک امتیاز در رده‌های بعدی این گروه هستند. اینیستا در این دیدار از دقیقه ۶۰ وارد زمین شد.

دغدغه‌های این‌روزهای یحیی و پرسپولیس چیست؟

فقر گلزن و فینال آسیا

پرداخت برای برداشت در آسیا باشد و چندان نمی‌توان به گل محمدی در زمان و فضای حال لیگ خرده گرفت.

■ **امتیازات ابتدای فصل**

شاید در ۵ سال اخیر به نوعی متفاوت‌ترین شروع پرسپولیس با گل‌محمدی روی داده و کادرفنی پرسپولیس بهتر از هر کسی می‌داند که به دست آوردن این امتیازات به ظاهر قابل حیران در ادامه فصل فوتبالی چقدر به کار تیم‌ها در آینده و شاید در انتهای لیگ برای مشخص شدن قهرمان خواهد آمد، پس پرسپولیسی‌ها تمایل شدید دارند که حتی به صورت اقتصادی و بردهای کم‌گل، امتیازات آن را در دست کنند تا مبدا حسرت این روزها و این بازی‌ها را در انتهای فصل بخورند، این جزو آن دغدغه‌هایی است که گل‌محمدی قطعاً به آن فکر می‌کند و چه بسا اگر پالتی نعمتی در انتهای نیمه اول بازی با نفت مسجد سلیمان گل می‌شد به نوعی این خواسته‌های باب میل کادر فنی جامه عمل پوشانده شده بود.

■ **حفظ انرژی**

برای پرسپولیس شاید نگه داشتن شرایط ایده‌آل بدنی هم نکته بسیار مهمی باشد، چرا که فواصل کم بازی‌ها که تقریباً ۴ روز یک بار در این فصل برگزار می‌شود و همچنین مشکلات ناشی از کرونا می‌تواند کار دست تیم‌ها و بویژه پرسپولیس که در چند جبهه باید بجنگد بدهد، بویژه که پرسپولیس حالا در خط دفاع به‌رغم گل نخوردن، فقر بازیکن و در حقیقت جانشین را احساس می‌کند و دچار کمبود بازیکن مجرب و تاثیرگذار حداقل در کوتاه‌مدت است.

■ **زوج‌سازی**

دستور کار پرسپولیس در یکی، دو بازی اخیر زوج‌سازی در کنارهای زمین بوده؛ جایی که شیری و نعمتی از راست و آقای و پهلوان از چپ برای این کار انتخاب شده‌اند. اما ایراد اصلی در ترکیب تیم‌هایی که اینگونه شیوه‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهند، غیبت احتمالی یکی از بازیکنان این زوج‌هاست که کار آطور که باید در آن بازی در نمی‌آید،

نمی:

مهدی محمدنی درباره تصویب اساسنامه جدید فدراسیون اظهار داشت: ۲۰ عضو مجمع با اکثریت آرا به این اساسنامه رای دادند. طبق نقشه راه، در آینده با توجه به مصوباتی که در مجمع و هیأت‌رئیسه داریم، اطلاعیه مجمع انتخاباتی را هم اعلام می‌کنیم. وی افزود: اگر خدا بخواهد، اوایل اسفند این مجمع را هم برگزار می‌کنیم. امروز برای فوتبال کشور روزی تاریخی بود و بار دیگر به خانواده بزرگ فوتبال تبریک می‌گویم.



■ **حفظ انگیزه و شرایط بازی**

شاید خیلی زیرپوستی و خیلی آرام بازیکنان پرسپولیس دچار بی‌انگیزگی یا غرور کاذب نسبت به حداقل بازی‌های آغازین لیگ شوند، چرا که آنها ناخودآگاه نگاه اصلی خود را به فینال آسیا دوخته‌اند و بعد از بازی‌های مقدماتی آسیایی و عقبه قهرمانی چند سال اخیر در لیگ داخلی تمایل زیادی به چشیدن قهرمانی در سطح قاره دارند. در این روزهای باقیمانده حفظ انگیزه آنها برای بازی‌های داخلی و همچنین مدیریت تمام آنها برای داشتن شرایط بازی وظیفه اصلی کادر فنی پرسپولیس است.

آنچه مهاجم سابق آرژانتین درباره اسطوره گفت

مارادونا؛ خدای فوتبال، قربانی زندگی

می‌کرد و آنها را در توجهی که به او جلب شده بود شریک می‌کرد. اما اگر بخوایم به افراط‌های مارادونا در زندگی اشاره کنیم باید به ناپل برگردیم. فوتبال مارادونا ناپل را به موفقیت‌هایی رساند که در تاریخ باشگاه بی‌سابقه بود. افتخاراتی که ناپولی با دیگو به دست آورد هرگز در آن شهر تجربه نشده بود اما در همین زمان بود که زندگی شخصی او از مسیر خود خارج شد. او در فوتبال سلامت بود اما در زندگی شخصی بیمار شده بود. مارادونا در زمین چمن نماد فقر جنوب بود که در مقابل قدرت‌های شمال یعنی میلان «آریگو ساسی» ایستاده بود و پیروز بود. در جام‌جهانی ۱۹۸۶ با پیروزی آرژانتین مقابل انگلیس نبوغ دیگو به اوج رسید. مارادونا همچون قهرمان ادیسه با یک حس ملی‌گرایی درونی ۲ گلی را به ثمر رساند که هرگز از خاطره جمعی فوتبال حذف نخواهد شد؛ یک گل استثنایی و تاریخی و یک گل که با قلب به ثمر رسید ولی تاریخی شد.

مارادونا در زندگی شخصی‌اش هم سوپرمن بود و ۳ بار از قعر برخاست و این اصلا ساده نیست. قدرت بدنی او را تنها می‌توان با نبوغ فوتبالی‌اش مقایسه کرد. با اینکه همه افراط‌های دیگو روی فوتبالش تاثیر منفی می‌گذاشت ولی مارادونا اجازه نداد استعداد فوتبالی و درخشش او در زمین چمن تحت تاثیر قرار بگیرد. وقتی اسم مارادونا می‌آید، احساس همزمان قلب دوستداران فوتبال را می‌فشارد: ۲ تحسین و ستایش؛ حسرت و اندوه. حتی توپ فوتبال که امروز صاحب اصلی‌اش را از دست داده در غم او ملول است. کسانتی مثل ما که او را از نزدیک می‌شناسیم، بیشتر از همه برای دیگو گریه می‌کنیم؛ دیگوی بزرگی که این اواخر زیر بار سنگین اسطوره مارادونا و افراط‌های زندگی شخصی‌اش پشت خم کرده بود. خداحافظ کاپیتان بزرگ.

می‌گفت یک بازیکن آرژانتینی باید صبح و ظهر و شب با توپ باشد و زندگی‌اش بدون توپ نباید معنا پیدا کند. او این را آنقدر تکرار کرد که یک روز دیدیم مارادونا در حالی که رویایی می‌زد و توپ را روی هوا نگه داشته بود از اتاقش در هتل بیرون آمد، در همان حالت سوار آسانسور شد، به غذاخوری وارد شد، روی صندلی نشست و شروع به خوردن نان صبحانه کرد. بیلاردو وقتی آمد و او را دید لبخندی روی صورتش نقش بست و با حالتی غرورآمیز گفت می‌بینید؟ به این خاطر است که او مارادوناست. مارادونا در زمین فوتبال همیشه خوشحال بود، چرا که انگار به ملاقات عشق ابدی‌اش رفته بود؛ توپ. او در زمین چمن بیشتر شبیه یک ستاره موسیقی راک بود تا یک فوتبالیست. این اعتماد به نفس او در کار با توپ و بهتر بگوییم برتری مطلقش بر توپ به ذهنیت دیگو تبدیل شد و تاروهای سیاهی که شخصیت او بزرگ‌تر از شخص دیگو شد همراهش بود. مارادونا متفاوت بود، احساس متفاوتی داشت و متفاوت رفتاری می‌کرد. وقتی می‌گویم مارادونا نباید باعث ایجاد سوءتفاهم شود. منظور این است که زمین چمن برای او حکم صحنه را داشت و مارادونا مثل یک ستاره راک همه نگاه‌ها را به خود جلب می‌کرد و یک تنه می‌درخشید. با این حال مارادونا هرگز خودخواه نبود و یادش نمی‌رفت در یک تیم بازی می‌کند. دیگو همیشه سخاوتمندانه به همبازی‌هایش کمک

نبوغش به محدودیت‌هایی توجه بود و به خاطر طبقه‌ای که از آن برخاسته بود و به آن افتخار می‌کرد، می‌خواست به همه محدودیت‌ها پشت پا بزند. قدرت نمادین و احساسی مارادونا این را القا می‌کرد که فقرا با مارادونا توانست‌اند بر ثروتمندان پیروز شوند. حمایت بی‌قید و شرط طبقات پایین‌تر از او و بی‌اعتمادی طبقات بالا را می‌توان اینطور توضیح داد. ثروتمندان شکست را اصلا دوست ندارند اما حتی بزرگ‌ترین دشمنان مارادونا سرانجام چاره‌ای جز تعظیم مقابل او نداشتند. آنها چاره دیگری نداشتند. مارادونا هنوز ۱۵ ساله بود که برای به دست آوردن شغل خدایی فوتبال اقدام کرد؛ در کشوری که با احساس و عاطفه او را به عنوان یک منجی در آغوش گرفت، چرا که در آرژانتین فوتبال بیشتر با قلب ارتباط دارد تا مغز. شگفتی ناشی از هنر او که از خیابان‌ها به استادبوم‌ها منتقل شده بود، باعث شد همه طرفدارش شوند. مهم نبود دیگو پیراهن کدام باشگاه را به تن می‌کند. او آرژانتینی بود و همین برای اینکه همه مردم به او افتخار کنند کافی بود. توپ و مارادونا زندگی مشترک خود را آغاز کرده بودند. زندگی توپ و اربابی که کنترلش می‌کرد و با اراده‌اش آن را در اختیار می‌گرفت. دقت اعتماد به نفس و اطمینان مارادونا به توپ نشان می‌داد خدای جدید فوتبال می‌داند برای مهار کردن همراه زندگی‌اش یعنی توپ چه باید بکند. یک بار که در برلین بودیم «کارلوس بیلاردو» سرمربی آرژانتین اصرار داشت باید تکنیک‌مان را تقویت کنیم. او

چند نکته درباره «نر نیم، می‌زنند»

بنابراین اگر قرار است دقیق و از این نظرگاه امنیتی به ترور شهید فخری‌زاده بنگریم، باید موضوع حفاظت را از اصل بازدارندگی تفکیک کرد.

نکته دوم درباره سفاقت و بلاهتی است که تصور می‌کند این شرایط با پایان دوره ترامپ و حضور دموکرات‌ها در کاخ سفید به اتمام می‌رسد. گویا این حضرات خیلی دوست دارند ما فراموش کنیم که پروژه ترور دانشمندان هسته‌ای ایران در دوره سیاه دولت اوپاما آغاز شد و بر اساس گزارش‌های خود آمریکایی‌ها، باراک اوپاما به همراه صهیونیست‌ها با تشکیل

گزارش

روزنامه اسپانیایی ال پائیس درباره دیگو مارادونا، اسطوره بزرگ فوتبال دنیا و آرژانتین می‌گوید مارادونا چهره بزرگی است که در ۲ حوزه مجزا باید به او پرداخت؛ مارادونای فوتبالیست که اسطوره‌ای است بی‌عیب و نقص و مارادونا به عنوان یک انسان که به قربانی زندگی‌اش تبدیل می‌شود. کسانتی که وقتی مارادونا در ماه‌های اخیر در آرژانتین تاجگذاری کرد یا وقتی نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا را به آغوش کشید، در صحبت کردن یا راه رفتن دچار مشکل شده بود به تمسخر او دست زدند، حالا که بدرقه باشکوه او توسط کل دنیا را می‌بینند بهتر است کنار ایستاده و از همراه شدن با موج شیفتگان و تحسین‌کنندگان دیگو خودداری کنند. مارادونا را نمی‌توان تقبیح کرد؛ چرا؟ چون او به عنوان فوتبالیست بی‌عیب و نقص بود و به عنوان یک انسان، یک قربانی. زندگی‌ای که یک نفر را به همه رویاهایش می‌رساند بدون شک برای او دردسرهایی خواهد داشت و دیگو از این قاعده مستثنا نبود. ماجرای تبدیل شدن از انسان به اسطوره، شخصیت دیگو را به ۲ بخش مجزا تقسیم کرده بود. او ۲ شخصیت داشت: دیگو و مارادونا. «فرناندو سینیورینی» مربی بدنسازی او یک بار درباره‌اش گفته بود: «من با دیگو تا آن‌سر دنیا هم خواهم رفت ولی با مارادونا تا سر کوجه هم نمی‌روم». مارادونسا محصول دیگری از محله متواضع و فقیری بود که در آن به دنیا آمده بود. او خیلی زود با شهرت آشنا شد و این برایش تبعاتی داشت. اگر فوتبال جهانی است، دیگو هم جهانی است، چرا که فوتبال و مارادونا کلماتی مترادفند. اما او در عین حال بدون کوچک‌ترین تردیدی یک آرژانتینی بود. با توجه به این واقعیت می‌توان قدرت احساسی او در کشورش را که باعث شده بود در آرژانتین مصونیتی اهنتین داشته باشد توضیح داد. مارادونا به خاطر

دیدگاه

ادامه از صفحه اول

همین موضوع است که باعث شده

دشمن صهیونیست و حامی آمریکایی آن احساس کند دولت ایران در یک مخمصه سیاسی- امنیتی گرفتار است و فعلا تا اطلاع بعدی، نسبت به هر نوع تهدید امنیتی واکنش قاطعی نشان نمی‌دهد. این وضعیت، برای رژیم تروریستی تل‌آویو یک فرصت طلایی است و بر همین اساس است که تیم‌های ترور خود را برای به شهادت رساندن دکتر محسن فخری‌زاده به ایران می‌فرستند.